

## درآمدی بر نظریه اسلامی عدالت اجتماعی: رویکردی مبتنی بر اندیشه شش متفکر دینی معاصر

علیرضا سجادیه<sup>۱\*</sup>

محمدصادق ترابزاده جهرمی<sup>۲</sup>

حسین سرآبادانی تفرشی<sup>۳</sup>

علی مصطفوی ثانی<sup>۴</sup>

### چکیده

**هدف:** مقاله حاضر بدنبال آن است که از مسیر بازخوانی و بازاندیشی اندیشه شش متفکر محوری انقلاب اسلامی (امام خمینی، علامه طباطبایی، شهید صدر، شهید بهشتی، شهید مطهری رحمه الله علیه و مقام معظم رهبری) بتواند صورت‌بندی نظری مسنجم پیرامون عدالت اجتماعی ارائه کند و از رهگذر تولید یک نظریه اسلامی در باب عدالت تا حد زیادی از تشتت در سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات گوناگون و بعضاً متناقض دولت‌های مختلف جمهوری اسلامی با شعار و پرچم عدالت جلوگیری نماید.

**روش‌شناسی پژوهش:** بدین منظور با بهره‌گیری از روش فراتحلیل، ابعاد و اضلاع نظریه اسلامی عدالت اجتماعی پایه‌ریزی شده است.

**یافته‌ها:** صورت‌بندی به‌دست آمده از برآیند اندیشه متفکران مذکور، عدالت را به «قوام و توازن» تعریف کرده است که خود را در ۳ رکن اصلی «حکمرانی سیاسی»، «پیوندهای اجتماعی» و «تبادلات اقتصادی» تجلی می‌دهد. **نتیجه‌گیری:** جاری شدن عدالت در ارکان فوق جامعه‌ای را تصویرپردازی می‌کند که در آن «استقرار ولایت سیاسی الهی»، «انسجام اجتماعی» و «معیشت متوازن» حاکمیت دارد. بنابراین هر نوع سیاست‌گذاری و مداخله اجتماعی باید حافظ و تقویت‌کننده ارکان اصلی و محوری جامعه عادلانه باشد. این نظریه در شکل تفصیلی خود می‌تواند منطقی برای طراحی، اجرا و ارزیابی سیاست‌های بین‌المللی، ملی و محلی قرار گیرد.

**کلیدواژه‌ها:** عدالت اجتماعی، قوام و توازن، نظریه اسلامی عدالت، ولایت، انسجام اجتماعی.

**Email:** Sajjadieh@isu.ac.ir

۱- دکتری مدیریت دولتی و سیاست‌گذاری عمومی و پژوهشگر مرکز رشد، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

**Email:** Torabzadeh@isu.ac.ir

۲- دکتری مدیریت دولتی و سیاست‌گذاری عمومی و پژوهشگر مرکز رشد، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران.

**Email:** sarabadani@isu.ac.ir

۳- دکتری مدیریت دولتی و سیاست‌گذاری عمومی و پژوهشگر مرکز رشد، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران.

**Email:** mostafavisani@um.ac.ir

۴- استادیار پژوهشکده مطالعات اسلامی در علوم انسانی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۶

## مقدمه

عدالت اجتماعی را باید خواست و آرمان همیشگی در تاریخ بشریت تعریف کرد. امری که بروز و ظهور فراوانی در ادیبان ابراهیمی خاصه در دین مبین اسلام دارد. جستجوی معارف ناب و گنجینه به جای مانده آن‌ها نشانگر بسامد فراوان این غایت و هدف برای ساخت جامعه الگو است؛ اوج این تأکید را می‌توان در آیه شریفه ۲۵ سوره حدید دنبال کرد که در آن خداوند متعال هدف و مقصود جریان رسالت و نزول کتب آسمانی را برای تحقق عدالت اجتماعی به دست مردم طرح کرده است.<sup>۱</sup> از سوی دیگر، انقلاب اسلامی از دل یک خواست و اراده مردمی و رهبری دینی به دنبال تحقق شعارها و اهداف اسلام است که تابلوی آشکار آن قانون اساسی است.<sup>۲</sup>

تصریحات مکرر بر مسئله عدالت اجتماعی در ابعاد گوناگون حاکمیت و اداره جامعه نشان از اهمیت جایگاه آن در منظومه عملی این انقلاب است. امتداد چنین دغدغه‌ای در بیانات رهبران و حاکمان نظام اسلامی خود را در قالب‌های متعدد بازتولید کرده است به گونه‌ای که مشروعیت حاکم به تحقق عدالت گره زده شده است (خامنه‌ای، ۱۹۹۸/۰۶/۲۸؛ ۲۰۰۳/۱۱/۱۴). علاوه بر آن نامگذاری دهه چهارم انقلاب اسلامی به دهه «پیشرفت و عدالت» و تبیین مختصات این دو بال مهم حرکت نظام اسلامی توسط مقام معظم رهبری<sup>۳</sup> در کنار اشاره صریح به عدالت اجتماعی در مسیر گام دوم انقلاب، نشانه دیگری از توجه ویژه و رکن مهم عدالت اجتماعی در مسیر نظام‌سازی است.<sup>۴</sup>

۱. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعَةٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» - سوره مبارکه حدید، آیه ۲۵.

۲. اصول ۲؛ ۳؛ ۴۰؛ ۴۱؛ ۴۳.

۳. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: خامنه‌ای، بیانات در ۱۳۸۷/۰۶/۰۲؛ ۱۳۸۴/۰۲/۱۸؛ ۱۳۹۶/۱۱/۲۹

۴. عدالت در صدر هدف‌های اولی‌های همه‌ی بعثت‌های الهی است و در جمهوری اسلامی نیز دارای همان شأن و جایگاه است؛ این، کلمه‌ای مقدس در همه‌ی زمان‌ها و سرزمین‌ها است و به صورت کامل، جزء در حکومت حضرت ولی‌عصر (ارواح‌افاده) میسر نخواهد شد ولی به صورت نسبی، همه جا و همه وقت ممکن و فریضه‌ای بر عهده‌ی همه به ویژه حاکمان و قدرتمندان است. جمهوری اسلامی ایران در این راه گام‌های بلندی برداشته است که قبلاً بدان اشاره‌ای کوتاه رفت؛ و البته در توضیح و تشریح آن باید کارهای بیشتری صورت گیرد و توطئه‌ی واژگونه‌نمایی و لااقل سکوت و پنهان‌سازی که اکنون برنامه‌ی جدی دشمنان انقلاب است، خنثی گردد. با این همه، اینجانب به جوانان عزیزی که آینده‌ی کشور، چشم‌انتظار آنها است صریحاً می‌گویم آنچه تاکنون شده با آنچه باید می‌شده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی به شدت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، بشدت ممنوع است؛ همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به هیچ‌رو مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاست‌ها و قوانین، بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته‌ی آن، چشم امید به شما جوان‌ها است؛ و اگر زمام اداره‌ی بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمدالله کم نیستند - سپرده شود، این امید برآورده خواهد شد؛ ان شاءالله (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

با این درجه از اهمیت و راهبردی بودن مسئله عدالت اجتماعی و علی‌رغم تلاش‌های اندیشمندان در زمینه تعریف مختصات و ابعاد عدالت اجتماعی، به نظر می‌رسد نظام اسلامی همچنان از مسئله فقدان یک چارچوب یا به تعبیر دقیق‌تر نظریه اسلامی در باب عدالت رنج می‌برد و مطالبه ۱۲ سال پیش رهبر معظم انقلاب از عدالت‌پژوهان در سطح ملی برای تولید نظریه اسلامی ناب در باب عدالت همچنان بر زمین مانده است.<sup>۱</sup>

حسب این اهمیت و دغدغه، نوشته حاضر تلاش دارد با بهره‌گیری و پیمودن مسیر متفکرمحوری، تراث اندیشه‌ای اندیشمندان طراز اسلامی در مسئله عدالت را واکاوی کند و از دل آن‌ها به یک صورت‌بندی واحد و منسجمی به نام «نظریه اسلامی عدالت اجتماعی» دست یابد.

## پیشینه پژوهش

### ۱- پیشینه عام

با توجه به منطقی و سؤال‌محوری پژوهش حاضر می‌توان گفت حیطه و جغرافیای مدنظر برای بررسی ادبیات این حوزه، نظریه‌های منقحی است که در باب عدالت اجتماعی در سطح ملی و بین‌المللی ارائه شده‌اند. نظریه‌ها عموماً وابستگی تامی به نظریه‌پردازان دارند و با آنها شناخته یا معرفی می‌شوند. در حوزه پژوهش‌های بین‌المللی، نظریه‌پردازان مطرحی همچون ارسطو، هایک، رالز، آمارتیا سن، والتزر و... هستند که هر یک آراء و نظریات تفصیلی دارند که در منابع مکتوب قابل ردیابی است. سوی آنها، شارحانی نیز اندیشه‌ها و نظریه‌های آن‌ها را شرح، بسط یا اصلاح کرده‌اند. از این‌رو در نگاه اول، ادبیات غربی در مسئله عدالت اجتماعی را باید دارای سابقه طولانی دانست. به جهت جلوگیری از اطاله بحث، لازم است طبقه‌بندی‌ها و تصاویری از تعریف و منطقی هر یک از نظریه‌پردازان فوق به مسئله عدالت داشته باشیم. در ادامه تلاش شده است تا برخی از این طبقه‌بندی‌ها یا گونه‌شناسی‌ها بیان شوند:

جیمز کونو با بررسی نظریات عدالت ارائه شده در حوزه اقتصاد توانسته بر اساس ۴ محور اصلی نیاز، کارآمدی، مسئولیت فردی و زمینه یک تقسیم‌بندی کلی از مجموعه تعاریف و دیدگاه‌ها در حوزه عدالت پژوهی را ارائه دهد. شمای کلی از این طبقه‌بندی در جدول زیر نمایش داده شده است.

۱. در مرحله‌ی نظری، آنچه که ما می‌خواهیم به آن برسیم، رسیدن به نظریه‌ی اسلامی ناب در باب عدالت است. البته باید با نگاه متجددانه، با نگاه نوآورانه، به منابع اسلامی مراجعه کرد و آن نظریه را از متن منابع اسلامی- در چهارچوب‌های علمی و فنی خودش، که بعضی از دوستان اشاره کردند- استخراج کرد. ما برای استنباط، شیوه‌ها، متدها و روش‌های علمی تجربه‌ی شده‌ی کاملاً حساب شده‌ی داریم؛ از این‌ها باید استفاده شود. بنابراین در مرحله‌ی نظری و نظریه‌سازی، باید از منابع اسلامی و از متون اسلامی، نظریه‌ی ناب اسلام در باب عدالت به دست بیاید (بیانات در دومین نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع عدالت- ۱۳۹۰/۰۲/۲۷).

## جدول ۱: طبقه‌بندی نظریات عدالت- کونو (برگرفته از: کونو، ۲۰۰۳: ۱۱۹۴-۱۲۱۵)

نظریات	ث
نظریه‌های تساوی طلبی <sup>۳</sup> (ارسطو)	نیاز و برابری <sup>۲</sup>
نظریه‌های قرارداد اجتماعی <sup>۴</sup> : مهم‌ترین نظریه قرارداد اجتماعی، نظریه رالز <sup>۵</sup> می‌باشد.	
نظریه مارکسیسم <sup>۶</sup>	
نظریه مطلوبیت گرایی <sup>۸</sup> (بنتام، استوارت میل)	کارآمدی <sup>۷</sup>
اصول پارتو <sup>۹</sup>	
حداکثرسازی ثروت	
وضعیت خالی از حسادت	
شایستگی و استحقاق <sup>۱۰</sup>	مسئولیت فردی
انصاف <sup>۱۱</sup>	
نوزیک <sup>۱۲</sup>	
والزر <sup>۱۳</sup>	زمینه <sup>۱۳</sup>
عدالت محلی <sup>۱۵</sup> (الستر، اچ. پیتون یانگ)	
وضعیت خالی از سرزنش	
کانمان، تنسیج، تیلر <sup>۱۶</sup>	

## ۲- پیشینه خاص

به حیث منابع فارسی نیز، در حوزه نظریه اسلامی عدالت اجتماعی- همانند آنچه در ابتدای این بخش بیان شد- ما با تعداد اندکی از فعالیت‌های جدی تأسیسی در این عرصه مواجهیم و عمده منابع رصد شده یا به ترجمه و شرح آرای اندیشمندان غربی -خاصه جان رالز- و یا به مقایسه آرای متفکران غربی با

1. Konow
2. Need & Equality
3. Egalitarianism
4. Social contract
5. Rawls
6. Marxism
7. Efficiency
8. Utilitarianism
9. Pareto
10. Desert
11. Equity
12. Robert Nozick
13. Context
14. Michael Walzer
15. Local justice
16. Kahneman, Knetsch, Thaler (KKT)

برخی از متفکران اسلامی اختصاص یافته است. برخی از مهم‌ترین آنها در جدول زیر مورد اشاره قرار می‌گیرد:

**جدول ۱: مروری بر مهم‌ترین منابع علمی حوزه نظریه اسلامی عدالت اجتماعی**

ردیف	عنوان	سال - نویسنده	توضیحات
۱	نظریه عدالت از دیدگاه ابونصر فارابی، امام خمینی و شهید صدر	محمدحسین جمشیدی - (۱۳۸۱) (۲۰۰۲)	نگاه ۳ اندیشمند برجسته اسلامی پیرامون موضوع عدالت تقریر شده است.
۲	جان رالز؛ از نظریه عدالت تا لیبرالیسم سیاسی	احمد واعظی - (۱۳۹۹) (۲۰۲۰)	شرح تطورات اندیشه جان رالز به‌عنوان یکی از فیلسوفان برجسته عدالت در غرب
۳	مدینه عادلانه: مقدمه‌ای بر نظریه عدالت اقتصادی در قرآن	سید احسان خاندوزی - (۱۳۹۱) (۲۰۱۲)	در قالب تعریف عدالت به اعطای حقوق، طیف و انواعی از حقوق مورد اشاره در قرآن کریم را بمنظور ترسیم ابعاد و معیارهای عدالت اقتصادی استخراج و تبیین کرده است.
۴	واکاوی نظریه عدالت در تفکر اسلامی	رضا غلامی - (۱۴۰۰) (۲۰۲۱)	از مسیر نقد برخی از نظریه‌پردازان عدالت (لیبرال‌ها و جامعه‌گرایان) و با بهره‌گیری از اندیشه اسلامی، مجموعه اصول اساسی (۱۹ اصل) را برای پی‌ریزی نظریه اسلامی در حوزه عدالت ارائه کرده است.
۵	نقد و بررسی نظریه‌های عدالت	احمد واعظی - (۱۳۸۸) (۲۰۰۲)	با رویکردی انتقادی و مبتنی بر دسته‌بندی نظری و تاریخی، نظریه اندیشمندانی چون ارسطو، افلاطون، هایک، کانت، رالز و والتزر را تقریر و از منظر اسلامی مورد نقد قرار داده است.
۶	بازاندیشی عدالت اجتماعی؛ چیستی، چرایی، قلمرو	احمد واعظی - (۱۴۰۱) (۲۰۲۲)	بررسی و پاسخ به پرسش‌هایی در باب چیستی و چرایی عدالت که ناظر به بحث درباره اصول، معیارها و مبنای عدالت اجتماعی است.
۷	نظریه اسلامی عدالت اجتماعی و عدالت اقتصادی	حسین عیوضلو - (۱۳۹۴) (۲۰۱۵)	نویسنده در این نوشتار با بهره‌گیری از نظریات عدالت اجتماعی و اقتصادی در مکاتب مختلف، اصول و معیارهای عدالت اجتماعی و اقتصادی در چارچوب شریعت اسلام با استفاده از دلالت آیات و روایات و نظرات متفکران و صاحب‌نظران اسلامی و در چارچوب نظریه‌های اقتصاد اسلامی را مورد شناسایی و بحث قرار داده و سپس دلالت‌های کاربردی آن نیز در برخی موارد مورد اشاره قرار گرفته است.
۸	درآمدی بر نظریه سیاسی عدالت در اسلام	علی‌اکبر علیخانی - (۱۳۸۸) (۲۰۰۹)	نویسنده در سه فصل مجزا تلاش کرده است در قالب مجموعه مقالاتی، مفهوم عدالت و ابعاد آن را در قرآن و

سنت، سیره علوی و متون میراث اسلامی جستجو و تنقیح کند.			
این کتاب تلاش دارد عدالت اجتماعی را از مسیر بررسی معنا، مبنا، اصول و معیارها، راه‌های شناخت و مرور برخی از نظریات مهم مورد واکاوی نظری قرار دهد.	عبدالله حیدری - ۱۳۹۴ (۲۰۱۵)	درآمدی بر نظریه عدالت در اسلام	۹
تبیین ابعاد عدالت اجتماعی با بهره‌گیری از آیات قرآن کریم	محمدجواد اسکندرلو - ۱۳۹۸ - (۲۰۱۹)	قرآن و نظریه عدالت اجتماعی	۱۰

مرور و مطالعه منابع مذکور نشان دهنده آن بود که عرصه عام «عدالت اجتماعی» همچنان از یک نظریه مشخص و منسجم که در دل خود واجد ابعاد و اصول مشخصی باشد رنج می‌برد. زحمات اندیشمندان فوق اگرچه قابل تقدیر است اما برخی از آنان اساساً به دنبال تولید نظریه نبوده‌اند، برخی صرفاً یک حوزه مضاف از عدالت را هدف‌گذاری کرده‌اند و برخی نیز به تبیین اصول اولیه یا دلالت‌های منابع دینی (قرآن، سنت، سیره و...) در مسئله عدالت اجتماعی ورود کرده‌اند.

### روش‌شناسی پژوهش

به حیث ادبیات مرسوم روش‌شناسی، این پژوهش از حیث ماهیت، بنیادی است و به دنبال تولید یک نظریه در عرصه عدالت اجتماعی است. همچنین به لحاظ روش پژوهش، از روش تحقیق کیفی برای این منظور استفاده کرده است. در این مسیر نیز، روش فراتحلیل برای این منظور به کار گرفته شده است.

فرا تحلیل<sup>۱</sup> به طور کلی عبارت است از تحلیل تحلیل‌ها. این اصطلاح عموماً با روش‌شناسی‌های کمی گره خورده است اما نمونه‌های کیفی نیز دارد. این تکنیک کاملاً متفاوت از تحلیل دسته دوم داده‌هایی است که قبلاً یک بار تحلیل شده‌اند. فرا تحلیل بر دو نوع است: مطالعات تلفیقی و مطالعات تفسیری.<sup>۲</sup> مطالعات تلفیقی، بیشتر بر خلاصه‌سازی و جمع‌بندی داده‌ها که معمولاً کمی انجام می‌شوند، متمرکز است. مطالعات تفسیری بر ایجاد مفاهیم جدید یا عملیاتی‌سازی مفاهیم گذشته تأکید دارد. در عین حال، نوع دیگری از مطالعات تفسیری نیز وجود دارد که بیشتر به دنبال خلق تفسیرهایی جدید از مطالعات و تحلیل‌های گذشته است. هدف در اینجا تجمیع داده نیست بلکه بازتفسیری مبتنی بر تحلیلی‌های گذشته است (گیون<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸: ۵۰۷-۵۰۶).

مبتنی بر آنچه که بیان شد، پژوهش حاضر به اتخاذ روش فراتحلیل تلاش می‌کند از مطالعه اندیشه متفکران دینی و تقریر، تبیین و تلفیق نگاه آن‌ها به مسئله عدالت اجتماعی، صورت‌بندی جدیدی از عدالت

1. Meta-analysis
2. Integrative and interpretive studies
3. Given

اجتماعی از منظر اسلامی ارائه کند. قبل از ورود به تحلیل اندیشه هریک از آنها لازم است به طور مختصر مسیر طی شده در این پژوهش کمی تفصیلی تر روایت شود.

▪ **گام اول: انتخاب رویکرد**

واقعیت آن است که در یک تقسیم‌بندی، دستیابی به یک نظریه اسلامی، از ۲ مسیر ممکن است:

۱. مراجعه به منابع اصیل دینی، با روش اجتهاد سنتی در عین بکارگیری نوآوری‌های روشی.

۲. مراجعه به آراء متفکران اسلامی که نوعی پل زدن غیرمستقیم به نظریه اسلامی عدالت است.

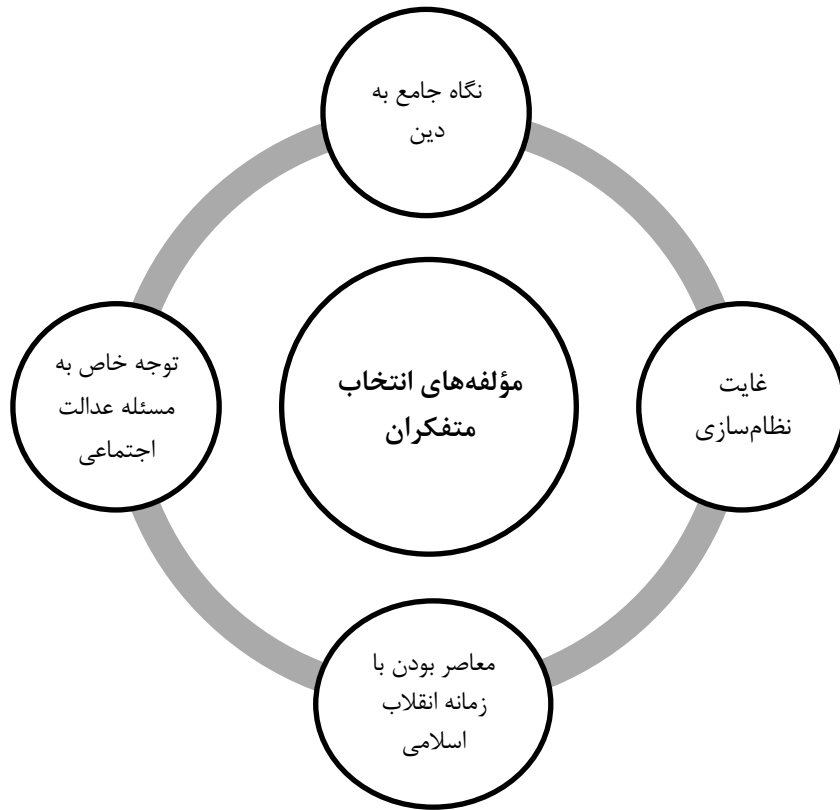
اگرچه مسیر اول یک مسیر مرسوم، اصولی و البته تخصصی در حوزه علوم انسانی اسلامی قلمداد می‌شود اما اقتضات پژوهشگران در کنار نیاز به دستیابی کوتاه‌مدت به چنین نظریه‌ای مسیر دوم را به‌عنوان راه ممکن‌تر پیش‌روی ما قرار داد. پیش‌فرض چنین انتخابی نیز آن است که متفکران دینی که دارای نگاه جامع و نظام‌ساز به دین هستند، عملاً شارحان و مفسران دین محسوب شده و با اتخاذ روش‌شناسی واحد (اجتهاد) به این نگاه دست یافته‌اند. بنابراین یگانگی و وحدت در منبع فهم و روش استنباط، خروجی‌ها و نتایج نزدیک و بسیار مشترکی - با پذیرش زوایا و لایه‌های متفاوت - در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد.

**جدول ۲: راهبردهای تولید نظریه اسلامی عدالت اجتماعی**

عناصر مقایسه	راهبردها	مراجعه به منابع دست اول دینی	فهم منطق عملی مجتهد دینی
زمان مورد نیاز	بلندمدت	کوتاه‌مدت	
عمق علمی	زیاد	متوسط	
کاربردی بودن	کم	زیاد	
بسته‌بندی مفهومی	تخصصی	زبان قوم (مبتنی بر فهم عامه)	

▪ **گام دوم: انتخاب متفکران**

مبتنی بر اتخاذ رویکرد پژوهش در مراجعه به اندیشه متفکران معاصر، سؤال مهم آن بود که چه اندیشمندان مبنای پژوهش حاضر قرار گیرند. به جهت انتخاب صحیح و قابل دفاع چند مؤلفه و شاخص برای چنین گزینشی مطرح نظر قرار گرفت:



شکل ۱: معیارها و مؤلفه‌های انتخاب متفکران منتخب پژوهش

از میان طیفی از متفکران، شش متفکر دینی معاصر - امام خمینی (ره)، علامه طباطبایی (ره)، شهید بهشتی، شهید صدر، شهید مطهری و آیت‌الله خامنه‌ای دام‌ظله - انتخاب شدند. ممکن است برخی تصور کنند، مباحث این متفکران عمدتاً کلی و فاقد نوآوری‌های لازم برای مسائل جاری کشور باشد؛ در عوض باید به برخی معاصرین و آثار آنها توجه کرد. در پاسخ باید بیان کنیم، این تفکر حاصل نوعی خام‌اندیشی در ظرفیت اندیشه‌های این متفکران است. تحلیل و بررسی عمیق‌تر این پژوهش نشان می‌دهد، به جز برخی موارد خاص، مرز دانش عدالت همچنان در سطح آرای این متفکران باقی مانده و نویسندگان معاصر نیز عمدتاً وامدار آرای این متفکران دهه‌های گذشته جامعه ما هستند. بگذریم که متأسفانه در بسیاری از موارد، فهم درست و جامعی نیز از دیدگاه آنها در میان معاصرین نیز دیده نمی‌شود.

▪ گام سوم: تحلیل اندیشه هر متفکر در مسئله عدالت اجتماعی



در این مرحله، با بررسی سابقه فعالیت‌های پژوهشی انجام شده در اندیشه هریک از متفکران فوق پیرامون مسئله عدالت تلاش شد از دل مراجعه به مکتوبات و بیانات آن‌ها، به‌طور جداگانه ابعاد و زوایای بحث عدالت اجتماعی از نگاه تک‌تک متفکران فهم و تبیین شود. به حیث روش‌شناختی، روش تحلیل مضمون در استخراج، تنظیم و تدوین صورت‌بندی یا نظریه عدالت متفکران منتخب مورد استفاده قرار گرفته است.<sup>۱</sup>

#### ▪ گام چهارم: تضارب نظریات و مفاهیم متفکران پیرامون عدالت اجتماعی

بر مبنای ایجاد نوعی گفتگو و بحثی دیالکتیک (تز و آنتی‌تز) میان اندیشه‌های متفکران فوق در خصوص عدالت اجتماعی، تلاش شده است سنتزی بر اساس بینش پژوهشگران استخراج و استنباط گردد. طبیعی است که این پژوهش گام ابتدایی برای فهم و درک جامع و مشترک نظریه عدالت اجتماعی در نگاه متفکران دینی معاصر است و چه بسا انجام این پژوهش توسط پژوهشگران دیگر منجر به سنتزی متفاوت گردد.

در خصوص امکان استخراج یک نظریه ترکیبی از میان اندیشه شش متفکر، اولاً باید میزان و نوع اختلاف نظر آنان را در مسئله عدالت واکاوی کرد و ثانیاً در کنار اختلاف‌ها، لازم است اشتراکات نظری و مبنایی را جستجو کرد. آنچه عرضه می‌شود در عین توجه به اختلافات، مبتنی بر اشتراکات نظری است که با مبنای هر شش متفکر، سازگار است. در عین حال باید توجه داشت که بخشی از این اختلافات نه به جهت تعارضات اندیشه‌ای بلکه به جهت سطح ورود متفاوت آنان به موضوعات است که از قضا، امکان تکمیل نظریه اسلامی عدالت را در لایه‌های مختلف فراهم می‌کند.

ادعای رسیدن به نوعی صورت‌بندی مشترک از بحث عدالت در میان این شش متفکر، به معنای همگنی کامل آرای این شش متفکر در موضوع عدالت یا سایر موضوعات اجتماعی اسلام نیست؛ بلکه تنها بر این امر تأکید می‌کند که ظرفیت‌های رسیدن به نوعی وحدت در میان این کثرت دیدگاه‌ها و اندیشه‌ها موجود است. فهم نوعی وحدت در آرای این متفکران، از پس یک بررسی تفصیلی و جداگانه هر یک از متفکران حاصل شده است و با نوعی وحدت نظر که در ابتدای مسیر برای هر جستجوگری درک می‌شود، متفاوت است.

۱. قطعاً این متفکران معاصر را، به معنای خاص از «نظریه‌پرداز»، نمی‌توان نظریه‌پرداز عدالت اجتماعی معرفی کرد؛ اما به جهت جایگاه ویژه عدالت در اندیشه دینی، طرح بحث این متفکران در حوزه عدالت، دارای مبنا و چارچوب دینی بوده و در دستگاه معارف دینی قرار می‌گیرد. البته باید مدنظر داشت که بسیاری از اندیشمندان عرصه عدالت، بر همین اساس، لزوماً نظریه‌پرداز عدالت اجتماعی نبوده‌اند بلکه بنا به اهمیت جایگاه عدالت در یک نظام فکری فلسفی-اجتماعی، به آن به‌صورت کم و بیش پرداخته‌اند و اکنون به‌عنوان نظریه‌پرداز عدالت مورد توجه هستند. از این‌رو، در یک معنای عام، این متفکران دینی نیز نظریه‌پرداز عرصه عدالت تلقی خواهند شد.

## یافته‌های پژوهش

آنچه در ادامه به‌عنوان «نظریه اسلامی عدالت اجتماعی» مطرح می‌گردد حاصل خوانش مجزای نظریه‌های شش متفکر معاصر دینی به‌صورت مستقل و سپس خوانش جمعی آن‌ها جهت ایجاد یک ترکیب و شکل‌گیری نوعی نظریه جامع، مشترک و یکپارچه است. در این بخش، صورت‌بندی جدیدی از ترکیب نظریه‌های این شش متفکر در سه محور، تنظیم شده است: مبادی، چارچوب مفهومی عدالت اجتماعی و اقامه عدالت.

آن‌گونه که مشاهده می‌شود، نظریه عدالت اجتماعی، تابعی از نظریه عدالت است که آن را در نسبت با عوالم وجود و سیر حق‌مدار و غایت محور آن به سمت حقیقت محض عالم یعنی خداوند متعال بحث می‌کند. بحث از عدالت اجتماعی صرفاً بحث از چند معیار و تعریف از قبیل نیاز، برابری، شایستگی و... نیست، بلکه بحث از نوعی نظام سازی اجتماعی منطبق با اسباب و مسببات عالم است که انسان را در مراتب مختلف خویش به سوی عبودیت و کمال می‌برد. در این منظومه، البته بحث از معیار نیز به تناسب سطوح مختلف وجود دارد.

نظریه اسلامی عدالت اجتماعی نمی‌تواند فارغ از توحید، امام، سنن الهی، تشریح، قیامت، ظهور، معنویت و مراتب مختلف هستی، حق، جهاد، ولایت و ایمان سخنی به میان آورد. نظریه اسلامی عدالت اجتماعی، ابتدا ساختار کلان نظام سازی اجتماعی را به بحث می‌گذارد و سپس در ابعاد و افرازه‌های اجتماعی به بیان اصول، معیارها و پویایی‌های ساختاری-رفتاری می‌پردازد. تفاوت این نظریه با سایر نظریه‌های مشابه را باید در همین زاویه مشاهده کرد.

### ۱. مبادی نظریه عدالت اجتماعی (انسان، اجتماع و هستی)

نظریه عدالت اجتماعی در نگاه متفکران دینی معاصر در پیوند با مبانی و اصول بنیادین معارف اسلامی قابل تحلیل و تبیین است. موضوع عدالت اجتماعی از منظر اسلامی در پیوند با یک اصل و ارزش یگانه صورت‌بندی می‌شود: توحید. توحید در همه مراتب آن یعنی توحید ذاتی، صفاتی و افعالی.

حضرت حق تبارک و تعالی منبع افاضه و خیر، یگانه حقیقت عالم هستی و تنها نیروی مؤثر در اداره جهان است. بر این مبنا، عالم به معنای «ماسوی‌الله»، ماهیت «از اویی و به‌سوی اویی» دارد و به عبارتی مبدأ و معاد عالم، حقیقت حضرت حق تبارک و تعالی است و هستی در یک قوس نزول و صعود نگریده می‌شود که در بستر آن، حرکت است کمالی و از نقص به کمال و قوه به فعل در حال رقم خوردن است. عدالت در کل این مسیر حضور دارد و بر دو قسم است: عدل الهی و عدل انسانی. عدل الهی ناظر به عادل بودن خداوند و خلقت عادلانه تکوین است. عدل انسانی نیز عدالت در مراتب مختلف انسان، از انسان کامل تا حیات اجتماعی وی را در برمی‌گیرد.

## ۲. چارچوب مفهومی عدالت اجتماعی

عدل انسانی را می‌توان در پرتو مراتب مختلف وجودی انسان تعریف کرد. مراتب پنج‌گانه انسانی عبارت‌اند از: مرتبه رفتار، مرتبه اخلاق و خلیقات، مرتبه عقاید و معرفت حصولی، مرتبه قلب و معرفت حضوری، مرتبه انسان کامل (خمینی، ۱۹۹۸: ۱۶۰؛ خمینی، ۱۹۹۸: ۲۳؛ خمینی، ۱۹۹۴: ۷۰-۷۱). مرتبه رفتار ناظر به اعمال ظاهری است که همگی را در قالب رفتار اجتماعی برجسب می‌زنیم. به جهت این‌که انسان، در شأن خلیفه‌اللهی خویش نسبت به سایر انسان‌ها مسئول است، از این‌رو، هیچ رفتاری نیست مگر این‌که اجتماعی است؛ چه مثبت و چه منفی (هیچ رفتاری نسبت به غایت اجتماع و تابع مسئولیت انسانی، خنثی نیست). این نوع تعریف از رفتار، طبقه‌بندی مرسوم رفتار فردی- رفتار اجتماعی را مردود می‌شمارد و رفتار را اجتماعی و فردیت انسان را در سطح اخلاق و خلیقات می‌بیند.<sup>۱</sup> اخلاق، ناظر به ویژگی‌های نفسانی است که از قوای انسان برمی‌خیزد. رفتارها، ظهورات بیرونی برآیند قوای نفسانی هستند. در سطح بالاتر از اخلاق، مرحله عقاید است که معارف حصولی و اکتسابی را در بردارد و بر سطوح قبلی خویش مؤثر است. در سطح بالاتر، مرتبه قلب است که معارف حضوری و مشاهدات قلبی را شامل می‌شود.<sup>۲</sup> این مرتبه نیز بر مراتب مادون خویش مؤثر است. سطح نهایی نیز سطح اعیان ثابت و مظهریت اسماء الهی است که متعالی‌ترین مرتبه آن مختص انسان کامل است. بنابراین بهتر است به جای استفاده از دوگان فردی- اجتماعی، از دوگان انفسی- آفاقی بهره ببریم.

در این نگرش ذومراتب به عالم هستی و انسان، «عدالت به معنای استقامت بر و در صراط مستقیم است» (خمینی، ۱۹۹۸: ۱۶۰؛ صدر، ۲۰۰۸، ج ۱۶: ۶۴ و ۱۳۱) که در واقع شکل‌دهنده نوعی توازن و قوام است. بنابراین از این منظر، «عدالت در ساحت اجتماع، توازن و قوام اجتماعی» است.<sup>۳</sup>

روش‌های مختلفی برای تعریف یک مفهوم وجود دارد.<sup>۴</sup> تعریف عدالت به استقامت در صراط مستقیم، تعریف صوری و جامعی است که از عدالت در همه مراتب آن بر اساس مبادی طرح شده می‌توان ارائه داد. تعریف عدالت به وضع شیء در جایگاهش، اعطای حق به صاحب حق، برابری، تلاش، مساوات، تناسب و از این دست تعاریف، عمدتاً از جنس تعریف عدالت به آثار و کارکرد است. تعریف عدالت بر مبنای جنس و فصل منطقی، با توجه به ماهیت اعتباری آن و در نظر گرفتن عدالت به‌عنوان یک معقول ثانی فلسفی با دشواری روبه‌رو است. از این جهت همه تعاریف، به جای تعریف به جوهره و حقیقت، عموماً ناظر بر

۱. آنچه در این نوشتار تحت عنوان مرتبه رفتار اجتماعی و مرتبه اخلاق بیان می‌شود، تناظری با دوگان اصالت فرد و جامعه ندارد.

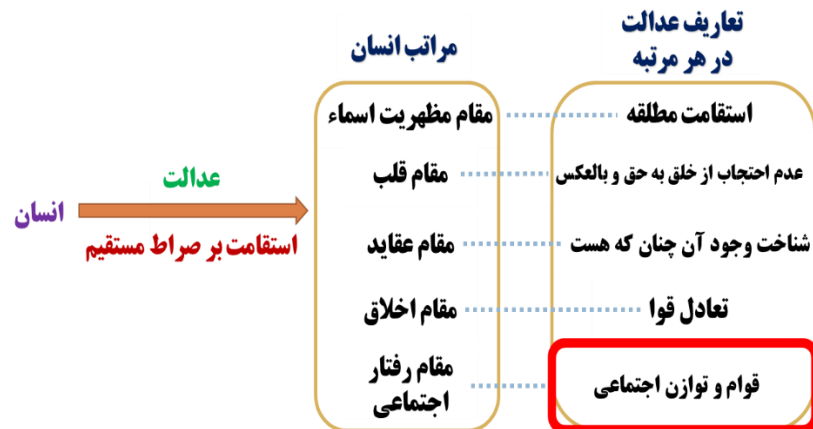
۲. گرچه می‌توان عقاید و قلب را ذیل عنوان مرتبه عقل جمع نمود اما به جهت تأکید بر استفاده از الفاظ و عبارات متفکران، این دو مرتبه، ذکر شده‌اند.

۳. برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به: مطهری، ۱۹۹۷، ج ۲۱: ۲۱۰-۲۲۳؛ صدر، ۲۰۰۸، ج ۳: ۷۷۳.

۴. مصطفی ملکیان (۲۰۱۰)، جلسات ۲۲ و ۲۱ تحلیلی فلسفی. مأخذ: <http://yon.ir/17define>

هفده قسم تعریف مفهومی عبارت‌اند از: تعریف به جنس و فصل، تعریف تصریحی، تعریف سیاقی یا متنی، تعریف عملیاتی، تعریف ابزاری، تعریف مصداقی، تعریف علی یا تکوینی، تعریف کارکردی یا پیاپندی، تعریف اقناعی، تعریف آرمانی، تعریف انتزاعی، تعریف توصیفی، تعریف شبکه‌ای.

تعریف عدالت به آثار و کارکردهای عدالت آن است. در اینجا نیز به نظر می‌رسد باید عدالت را به معنای استقامت در صراط مستقیم بر مبنای نظام حکیمانه و حق مدار تکوین تلقی کرد که منجر به شکل‌گیری نوعی توازن و تعادل به‌عنوان اثر و نتیجه عدالت می‌شود.



شکل ۲: تعاریف عدالت متناظر بر مراتب انسان

از این‌رو، عدالت را در مراتب مختلف انسانی می‌توان چنین تعریف کرد:

- ۱- مقام مظهریت اسماء الهی و اعیان ثابته: عدالت در این مقام، استقامت مطلقه و مظهریت اسم جامع الله است که مخصوص انسان کامل می‌باشد و عالی‌ترین درجه عدالت انسانی است.
- ۲- مقام قلب و معارف حضوری: عدالت در مقام قلب عبارت است از درک حضوری وحدت در کثرت و کثرت در وحدت عالم که همان عدم احتجاب از خلق به حق و از حق به خلق است.
- ۳- مقام عقاید و معارف حصولی: عدالت در این مقام عبارت است از شناخت و درک اکتسابی عالم وجود طبق حقیقت و آن‌چنانی که عالم هست.
- ۴- مقام اخلاق: نفس انسانی دارای سه قوه است که آن‌ها را شهویه، غضبیه و وهمیه می‌نامند. ذات هر کدام از این قوا، اقتضا می‌کند که آن قوه، به صورت تام و کامل ظهور کند و خود را بروز دهد. این امر باعث می‌شود که بین ظهورات قوای مختلف، تعارض و درگیری رخ دهد و یکی بر دیگری غلبه کند. حاکمیت عقل بر ظهور قوای نفسانی، آنان را به حالت اعتدال در می‌آورد. در مقام اخلاق و خلیات نفسانی، عدالت به معنای تعادل قوای انسانی است و از این جهت از جنس قوا است و به معنای بهره بردن هر قوه از حظ و استعدادش به‌نحوی است که ناقض حریت عقل انسانی نگردد. قوای نفسانی، محرک رفتاری انسان به‌شمار می‌روند که خود متأثر از معارف حضوری و حصولی هستند (خمینی، ۱۹۹۸: ۱۶۰؛ خمینی، ۱۹۹۸: ۲۳؛ خمینی، ۱۹۹۴: ۷۰-۷۱).

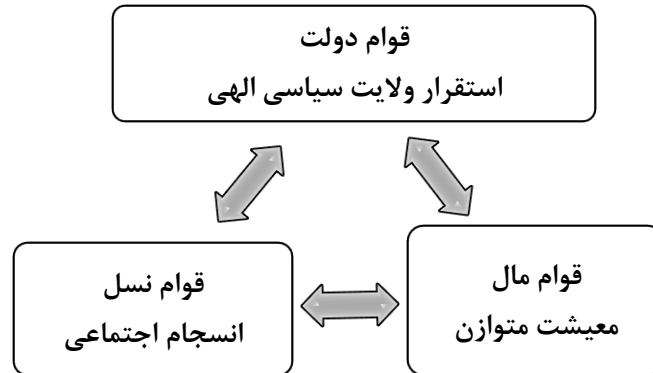
۵- مقام رفتار اجتماعی: عدالت اجتماعی، مختص این مقام است. در این مقام، توازن و قوام اجتماعی با چنین نگاهی به عدالت آغاز می‌شود: «عدالت، حاکم بر سایر ارزش‌های اجتماعی، ذومراتب و دارای معیارهای چندگانه اما معین، در مصادیق و اقتضائات متکثر است». عدالت اجتماعی در عین این که در امتداد توحید است، یک ارزش حاکم بر همه ارزش‌های اجتماعی است. این بدان معناست که هیچ ارزش اجتماعی، در عرض عدالت اجتماعی طرح نمی‌شود. از این‌رو، دوگان‌هایی همچون عدالت و مصلحت، عدالت و کارایی، عدالت و آزادی و...، معنادار نخواهند بود. از سوی دیگر باید توجه داشت که عدالت اجتماعی، تک معیاره و دارای یک اصل نیست؛ بلکه دارای معیارهای متکثری است که در حوزه‌های مختلف، وزن‌های متفاوتی به خود می‌گیرند. این وزن‌ها و معیارها، نشان از نسبیّت در عدالت نیست بلکه این اوزان و معیارها، مشخص و معین بوده و در یک عقلانیت دینی قابل تشخیص و اعمال هستند. عدالت در این مقام ناظر به نظام کلان اجتماعی و سپس نظامات تعاملی انسان‌ها و نیز رفتارهای خرد، در پرتو نظام اجتماعی کلان است.

### ۳. چارچوب کلی نظریه عدالت اجتماعی

گفته شد که عدالت اجتماعی عبارت است از قوام و توازن اجتماعی. به عبارت دیگر در اقامه عدالت اجتماعی، جهت‌گیری اصلی ساخت یک نظام اجتماعی قوام یافته است که ریل و کارخانه انسان‌سازی است (خمینی، ۱۹۹۴: ۱۲۶). بنابراین مسئله اول، سؤال از توزیع یک کالا، شیوه واگذاری مناصب اجتماعی -سیاسی، آموزش درست، رابطه مدیر و کارکنان و امثال آن نیست؛ بلکه هدف‌گیری عدالت اجتماعی، یک نظام سازی متفاوت است که درون این ظرف، امکان تحقق حداکثری توحید بر روی زمین اجتماع فراهم شود. حال سؤال آن است ارکان و مؤلفه‌های این نظام اجتماعی قوام یافته چیست؟

### ۴. ارکان عدالت اجتماعی در اندیشه اسلامی

حکومت، اقتصاد و روابط اجتماعی در قالب استقرار ولایت سیاسی الهی، معیشت متوازن و انسجام اجتماعی، عدالت اجتماعی را شکل می‌دهند. واژگان «قوام دولت»، «قوام مال» و «قوام نسل»، سکه‌هایی هستند که برای این ارکان سه‌گانه ضرب شده‌اند. بنابراین آنچه منجر به شکل‌گیری جامعه عادلانه می‌شود، طراحی مناسبات مرتبط با دو حوزه «مال» و «نسل» ذیل نظام «امامت عدل» است که سازوکار حکمرانی و پیاده‌سازی قواعد مرتبط با این دو حوزه است.



شکل ۳: ارکان عدالت اجتماعی در اندیشه اسلامی

##### ۵. تبیین ارکان نظریه عدالت اجتماعی

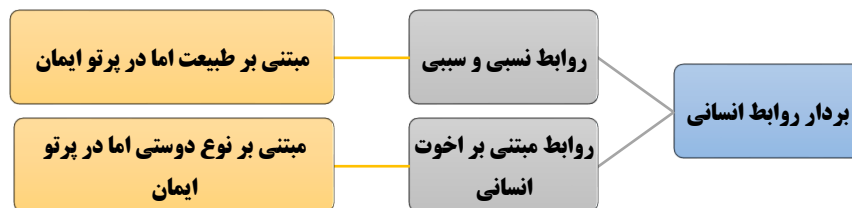
###### عدالت اجتماعی و نظام تعاملات اجتماعی

رکن اول عدالت اجتماعی، ناظر بر مناسبات مرتبط با «نسل» انسانی، نظام تعاملات اجتماعی، روابط فردی و توجه به بردارهای انسانی است. سلامت و استمرار نسل و تحکیم روابط انسانی در پرتو محیط و روابط اجتماعی سالم و مساعد، هدف اصلی این رکن در جهت تحقق قوام نسل است. فرد بر اساس ریشه‌های طبیعی شکل‌گیری خانواده، وارد حیات اجتماعی می‌شود و حسب روابط میان فردی با آحاد جامعه بشری بر مبنای اخوت و انسانیت، توسعه می‌یابد. به عبارت دیگر ورود فرد به اجتماع، عموماً از مسیر خانواده است. اساساً انسان نباید در جامعه تنها و رها باشد. «از سوی دیگر اگر رعایت عدل موجب قوام جامعه انسانی می‌شود، طبیعتاً احسان به مؤمنان باعث تحبیب قلوب و انسجام اجتماعی روزافزون خواهد شد. کمک به خویشاوندان نیز که خود قسم و شقی از احسان در جامعه است را باید از توجه اسلام به اصلاح مجتمع کوچک فامیل و خانواده دانست چرا که عامل دیگری هم که در قوام جامعه دینی مؤثر است، همان نهی از منکرات و فواحشی است که در جامعه واقع می‌شود ... پس نهی از فحشاء و منکر و بغی، امری است در معنا به اتحاد مجتمع، تا اجزای یکدیگر را از خود بدانند و اعمال افراد همه یکنواخت باشد، بعضی بر بعضی دیگر استعلاء نکند و دست ستم به سوی یکدیگر دراز نکنند، از یکدیگر جز خوبی یعنی عملی که آن را می‌شناسند نینند» (طباطبایی، ۱۹۹۵، ج ۱۲: ۴۸۲).

لذا اصل اولیه در روابط اجتماعی، تحت سرپرستی بودن و تحت سرپرستی گرفتن یکدیگر است. عموم این سرپرستی در خانواده تعریف می‌شود و در ادامه، تکلیف این ولایت بر عهده خویشان، آشنایان و انسان‌های پیرامونی خواهد بود. در نهایت، اگر هیچ رابطه خانوادگی یا قرابتی نتوانست فرد را تحت سرپرستی و پوشش خویش نگه دارد، ولایت حاکمه یا همان امامت عدل است که متولی امر آحاد

انسان‌های اجتماع است. اولویت در این سرپرستی، با حکومت نیست. اجتماعات انسانی باید بتوانند به صورت عادی و طبیعی، امور یکدیگر را پوشش دهند و در صورت عدم کفایت آنان، حکومت عادلانه ورود خواهد کرد. پس بار اصلی نظام تعاملات اجتماعی، بر عهده مردم است. اما این نظام تعاملات ذیل محور «ولایت» در جامعه دینی شکل و قوام می‌گیرد. امام، پدر امت است و اخوت اجتماعی ذیل امامت معنا می‌یابد.

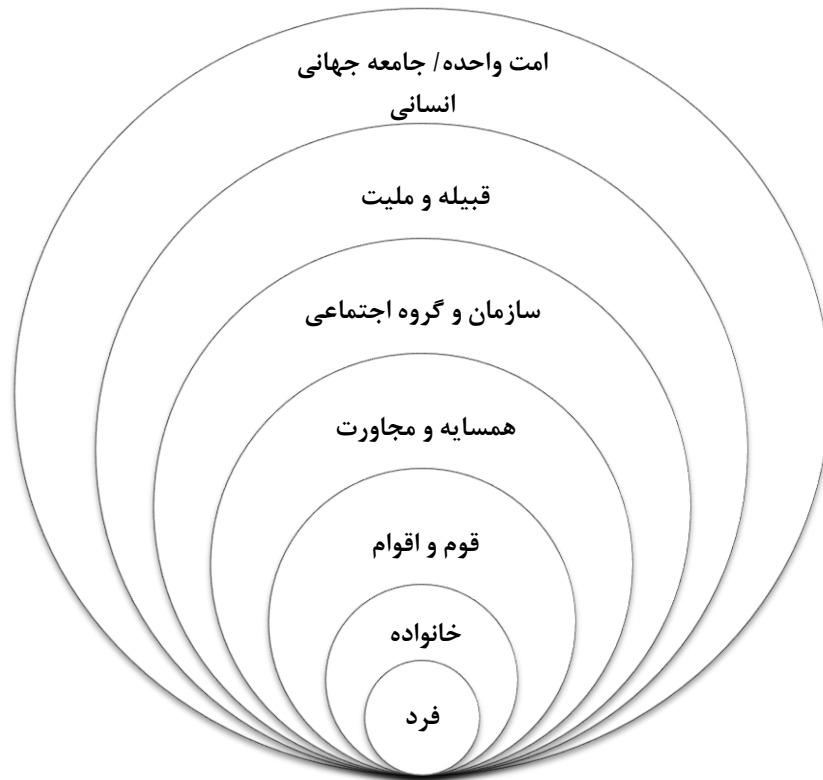
بدین ترتیب، می‌توان به دو مبنای ارتباطات میان فردی در حیات اجتماعی انسان اشاره کرد: روابط میان فردی که حاصل ارتباط خانوادگی است و روابطی که مبتنی بر نوعیت واحد انسانی است. در صورتی که فرد، در هیچ بُردار هویت انسانی قرار نگیرد و به دلیل ضعف انسجام اجتماعی دچار مشکل گردد، حکومت عادلانه است که سرپرستی امور معطله وی را عهده‌دار می‌گردد. از این‌روست که میراث فرد بدون وارث، به حکومت می‌رسد؛ یتیم بدون خانواده، تحت سرپرستی حکومت در می‌آید؛ امور واجب فرد که به دلیل فقر یا عدم حمایت اطرافیان، معطل مانده است توسط حکومت، تدبیر می‌شود و امثال آن. البته باید اشاره کرد که تمامی روابط درون خانوادگی، برادرانه و سرپرستی حکومت بر افراد، همگی تابع روابط ایمانی و جهت‌گیری دینی است.



شکل ۴: انواع روابط میان فردی در بردار روابط انسانی

هر جا از انسان سخن می‌گوییم، بُرداری از هویت‌های انسانی را مدنظر داریم چون یک نوع انسان در عالم خارج موجود نیست. انسان دارای برداری از هویت‌های جمعی است که حسب هر یک از آن‌ها، نقش و خصوصیات خاصی به وی تعلق می‌گیرد. انسان دارای هویت فردی و هویت‌های متنوع جمعی است که البته همگن نیستند و دارای شدت و ضعف در ارتباط و مسئولیت‌پذیری دوجانبه‌اند. این هویت‌های جمعی، از نهاد «خانواده» آغاز می‌شود که ریشه طبیعی و فطری در نهاد بشر دارد و البته از نوع اصیل و نه اعتباری است (مطهری، ۲۰۰۱، ج ۵: ۳۳).

این هویت‌های جمعی در سطح خرد، در مراتبی قرار دارد که بر اساس قاعده کلی «الاقرب فالاقرب»، حقوق و تکالیف خاصی در مناسبات اجتماعی را شکل می‌دهند؛ اما در سطح کلان اجتماعی، تابع مصالح اجتماع است که اهم و مهم در تدبیر حکومت عدل تعیین می‌شود. بنابراین نوعی اولویت و ارتباط میان هر کدام از این هویت‌های جمعی میان نسل بشری وجود دارد.



شکل ۵: بردار هویت‌های انسانی

مجموعه احکام و قواعد اسلام در حفظ و پاسداشت نهاد خانواده (همچون نهی زنا و روابط نامشروع)، قواعد مرتبط با حقوق و تکالیف در مورد هویت‌های جمعی همچون اقوام (صله رحم، اقرباء و عاقله)، حقوق ویژه همسایگان، اخوت اسلامی و در نهایت اخوت انسانی<sup>۱</sup>، هر کدام نقش و حقوق و تکالیف خاص خود را دارد. احکام نکاح، ارث و دیه در جهت حفظ نهاد خانواده و لازمه بقای نسل انسانی است (طباطبایی، ۱۹۹۵، ج ۴: ۱۵۱؛ طباطبایی، ۱۹۹۵، ج ۱۲: ۳۳۰-۳۳۳؛ طباطبایی، ۱۹۹۵، ج ۱۳: ۸۸). از این منظر آنچه در این حوزه عدالت را محقق می‌سازد حفظ روابط اجتماعی با تعریف خاص اسلامی آن است که شارع در این فرآیند نهاده است.

۱. برگرفته از فرازی از نامه امیرالمؤمنین(ع) به مالک اشتر است که بعد از امر به اینکه دل خود را آکنده از مهر و محبت و لطف نسبت به مردم گردان بیان می‌دارند که مردم بر دو گروه‌اند: «اما اخ لک فی الدین، او نظیر لک فی الخلق» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).



### عدالت اجتماعی و نظام تبادلات اقتصادی

پشتوانه تداوم عرضی و طولی نظام تعاملات اجتماعی و قوام نسل، قوام مال و نظام عدالت اقتصادی است (طباطبایی، ۱۹۹۵، ج ۴: ۲۷۱-۲۷۳؛ طباطبایی، ۱۹۹۵، ج ۹: ۳۳۱). عدالت در نظام تبادلات اقتصادی عبارت است از توازن معیشت در پرتو حفظ، رشد و گردش مال برای کل جامعه (صدر، ۲۰۰۸، ج ۳: ۷۸۳-۷۸۶). مقصود از مال در این بیان، صرفاً اموال و کالاهای منقول نیست بلکه هر چیزی است که دارای ارزش اقتصادی باشد. غایت اصلی نظام عدالت اقتصادی، تأمین معیشت جامعه البته در حد متوازن و متعادل است (بهشتی ۲۰۱۱: ۵۱). لکن تأمین معیشت، نیاز محور نبوده و اصل بر کار و ارزش آفرینی است. در ادامه ساختارهای توزیعی، ارزش‌های تولید شده را در کل جامعه توزیع کرده و همگان از این مواهب برخوردار می‌شوند.

ریشه ظلم در عرصه عدالت اقتصادی، عمدتاً در توزیع نامناسب است و در میان سه‌گانه تولید، توزیع و مصرف، بشر در حوزه توزیع، بیشتر نیازمند تربیت و کمک است. لذا عمده تشریح اقتصادی در حوزه توزیع و سپس مصرف و در نهایت، تولید است. در عین حال، هر یک از این سه‌گانه، مدخلی برای طرح و بیان مداخل دیگر است. اما از این زاویه نیز توزیع، بیشترین ظرفیت را برای تحلیل و مفهوم‌پردازی دارد؛ به نحوی که با طرح توزیع اولیه، پیشینی، فرایندی، پسینی تقریباً توانسته تولید و مصرف را نیز در خود پوشش دهد (صدر، ۲۰۰۸، ج ۳: ۴۷۹).

در نظام تبادلات اقتصادی، روابط توزیعی مستقل از روابط تولیدی است و شکاف میان فقیر و غنی حاصل روابط نادرست توزیعی است. به عبارت دیگر، روابط توزیعی، معلول روابط تولیدی نیستند و در عین استقلال، تأثیر متقابل دارند. آنچه به‌عنوان شکاف میان فقیر و غنی مدنظر است، حاصل روابط توزیعی است و برخلاف اندیشه مارکسیسم، روابط تولیدی علت تامه این شکاف نیستند بلکه بر آن مؤثرند. همچنین اصلاح روابط تولیدی، لزوماً توزیع عادلانه را رقم نمی‌زند (مراجعه شود به: صدر، ۲۰۱۴ a، b). بنابراین قوام مال را باید عمدتاً در چرخش مال جستجو کرد. شکاف موجود، امری طبیعی نیست بلکه حاصل مداخلات توزیعی بشر است. قواعد توزیعی اسلام به همین منظور و برای شکل‌گیری تعادل و توازن اجتماعی وضع شده‌اند<sup>۱</sup>:

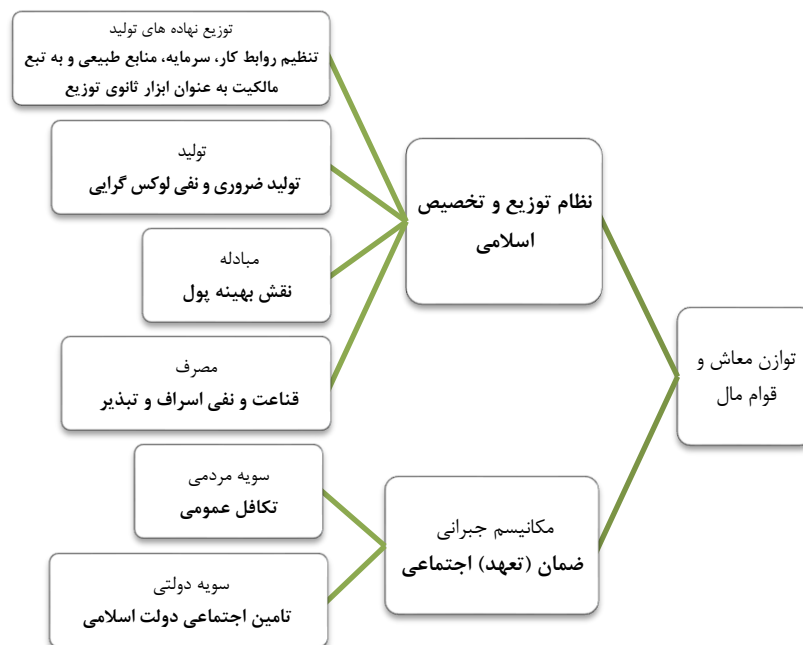
جدول ۳: قواعد توزیعی اسلام با هدف تأمین توازن اجتماعی (صدر، ۲۰۰۸)

ردیف	حوزه	نمونه موارد تشریح اسلامی برای تحقق تعادل اجتماعی
۱	توزیع منابع مادی تولید و نظریه مالکیت	<ul style="list-style-type: none"> <li>• جعل حقیقی اموال به شکلی اولی برای جامعه</li> <li>• معیار کار و نیاز به‌عنوان پایه‌های مالکیت</li> <li>• پذیرش مالکیت فردی به نمایندگی از مالکیت جمع</li> <li>• پذیرش مالکیت مبتنی بر کار اقتصادی بهره‌ورانه در دستیابی به منابع</li> </ul>

۱. شهید صدر ریشه این قواعد را توازن اجتماعی برمی‌شمرد (برگرفته از کتاب اقتصادنا).

ردیف	حوزه	نمونه موارد تشریح اسلامی برای تحقق تعادل اجتماعی
		طبیعی <ul style="list-style-type: none"> <li>• حیازت و احیاء: دو عمل اقتصادی در مالکیت منبع و فرصت</li> <li>• نهی قرقگاه و انباشت سرمایه‌دارانه منابع تولید</li> </ul>
۲	نظریه توزیع پس از تولید	<ul style="list-style-type: none"> <li>• عدم فرض همگنی میان عوامل تولید</li> <li>• پذیرش اصل ثبات در مالکیت</li> <li>• نهی ربا و حرکت سرمایه به سمت نقش اثربخش آن در اقتصاد</li> <li>• مقابله با تمرکز ثروت و مال</li> <li>• ایجاد ارتباط میان درآمد و کار به جای درآمد و سرمایه</li> </ul>
۳	تولید	<ul style="list-style-type: none"> <li>• تنظیم کارهای تولیدی در قالب عامل-کارگزار</li> <li>• تولید در مدار خدمت به انسان</li> <li>• نزدیک‌تر کردن تولید به مصرف</li> </ul>
۴	مبادله	<ul style="list-style-type: none"> <li>• مالیات بر اندوخته‌های راکد</li> <li>• بازگرداندن پول به نقش حقیقی‌اش</li> <li>• تغییر نقش نظام بانکی در فرآیند توزیع پول</li> <li>• حذف واسطه‌گر بین تولید و مصرف</li> <li>• مقابله با احتکار</li> </ul>
۵	مصرف	<ul style="list-style-type: none"> <li>• نهی اسراف</li> <li>• نهی تبذیر و تجمل‌گرایی</li> <li>• عمومی‌سازی خدمات درمانی و آموزشی</li> </ul>

نظریه عدالت اسلامی، با توسعه منظر ورود به مقوله توزیع، آن را در گستره وسیع توزیع ثروت، از توزیع منابع مادی تولید تا توزیع ثروت‌های تولید شده قرار می‌دهد تا با نگرش فرآیندی و فعال به دستگاه توزیع، ریشه نابرابری را به شکل بنیادین از میان برد.



شکل ۶: نظام تبادلات اقتصادی عادلانه

قوام مال، مبتنی بر یک نظام توزیع و تخصیص اسلامی استوار شده و در کنار آن، مکانیسم جبرانی ضمان اجتماعی قرار گرفته است تا چرخش مال را به نحو تام خویش تحقق بخشد. نظام توزیع و تخصیص را باید در چهار عرصه توزیع نهاده‌های تولید، تولید، مبادله و مصرف دنبال کرد. بنابراین چرخه اقتصادی از مرحله توزیع پیش از تولید تا مرحله مصرف را لحاظ می‌کند. برای این که ارزش آفرینی‌ها به صورت متعادلی در جامعه توزیع شود، از یک سوء قواعدی در مراحل چرخه اقتصادی مورد توجه قرار گرفته است و از سوی دیگر، این که برای شکستن حلقه‌های بسته تداول ثروت، تکافل عمومی و تأمین اجتماعی از سوی دولت وارد می‌شوند.

در این نگرش، نهاده‌های تولید، همگن نبوده و در یک سطح قرار نمی‌گیرند؛ بلکه هم‌سطح قرار دادن انسان به عنوان «خلیفه الهی» در عالم هستی با سرمایه فیزیکی و مالی، اهانت به کرامت انسانی تلقی می‌شود. بر اساس این نگاه ناهمگن به نهاده‌های تولید، برقراری روابط توزیعی عادلانه با در نظر گرفتن یک صورت و قالب ساده و همیشگی میسر نبوده و در شرایط مختلف تعاملی میان نهاده‌های تولید، قواعد متنوعی تضمین‌کننده عدالت اقتصادی است (موسی صدر، ۲۰۰۷: ۷۹). از این جهت، نظریه توزیع در مکتب اسلام، نظریه‌ای چند معیاره، انسان‌مدار، عدالت‌بنیان و تعادل‌بخش است؛ به‌گونه‌ای که بر مبنای عقود اسلامی و حدود شرع، نظامی منسجم می‌آفریند (صدر، ۲۰۰۸، ج ۳: ۳۸۶).

در جهت گردش و توزیع ثروت در نظام توزیع اسلامی، دو معیار «نیاز» و «کار» به شکل فعال، پیشینی، طراحی‌کننده و نظام ساز حضور دارند. پیامد پذیرش معیار کار، قبول نابرابری‌های اجتماعی (کمی و کیفی)، حسب تنوع استعدادهای انسانی است که معیار قبول تفاوت در برخورداری‌هاست. همچنین پذیرش معیار نیاز، با توجه به اصل ضمان اجتماعی<sup>۱</sup> (تکافل عامه و مداخلات دولت) در عدالت اسلامی صورت پذیرفته است. با در نظر گرفتن ساختار انگیزشی انسان و از جهت آن که عدالت اسلامی، تنبلی پرورانه و گداپرورانه نیست، معیار کار بر نیاز مقدم است و تا زمانی که بستر اجرا شدن معیار کار فراهم است، معیار نیاز فعال نخواهد شد. بر اساس این نظام توزیعی، نه رخوت و رکود در نظام اقتصادی حاکم می‌شود و نه عرصه تنازع و رقابت مهار نشده، به قیمت حذف فقرا و محرومین شکل می‌گیرد؛ بلکه بستر رشد همه استعدادها و قابلیت‌ها در حیات اجتماعی مهیا می‌گردد (صدر، ۲۰۰۸، ج ۳: ۷۷۳؛ ۳۸۶؛ ۳۸۷ و ۷۸۹).

در پرتو این نظام توزیعی، افراد جامعه انسانی همگون نبوده و برخی در گروه ثروتمند قرار دارند که در آن معیار کار فعال است. برخی در گروه فقرا هستند که معیار نیاز در آن طبقه حاکم است و در طبقه متوسط، هر دو معیار نیاز و کار جاری است. فقرا امکان کار ندارند و طبقه متوسط در عین داشتن درآمد، همچنان در برخی عرصه‌ها نیازمند تلقی می‌شوند. بنابراین طبقه متوسط در یک نگاه اقتضائی و زمینه محور، گاهی در پرتو نیاز و گاهی در پرتو کار دسته‌بندی می‌شوند. در هر صورت، فاصله طبقاتی با طراحی نوعی چرخش ثروت، کاهش می‌یابد تا توازن اجتماعی محفوظ بماند.

چرخه اقتصادی با توزیع پیش از تولید و نقش‌آفرینی عنصر مالکیت آغاز می‌شود. تولید، تابع رفع نیازهای معیشتی است<sup>۲</sup> و به تأمین ضروریات حیات اجتماعی می‌پردازد. از این جهت، تولید کالای لوکس در این نظام، جای ندارد. سپس در قواعد مبادله، ارزش‌های اقتصادی، به چرخش در می‌آیند. حوزه مبادله، گاه از قالب واقعی خود خارج شده و ابزاری برای استثمار انسانی واقع می‌شود که تجلی آن، انواع احتکارهاست (صدر، ۲۰۰۸، ج ۵: ۱۰۳). مبادله به‌عنوان واسطه میان تولید و مصرف، گاه ابزاری برای بسط ظلم و ستم در روابط انسانی می‌گردد (صدر، ۲۰۰۸، ج ۳: ۳۹۹). نقطه اوج این مسئله آن زمان رقم خورد که پول به‌عنوان فناوری مبادله، نقش ذخیره ارزش را پیدا کرد و فروش برای کسب سود، منجر به مال‌اندوزی و کنز اموال گردید و موجب اختلال میان تولید و مصرف شد. نظریه عدالت اسلامی در اینجا بر نظارت کامل بر جریان مبادله و اقدامات توزیعی، جهت گردش پول کنز شده از طریق انواع وجوب مالی

۱. شهید صدر تأمین اجتماعی را در جایی اعم از تکافل و در جایی، در عرض تکافل آورده است. در این نوشتار، ضمان اجتماعی شامل تکافل و تأمین اجتماعی است.

۲. لازم به ذکر است این سخن با آنچه در قالب «تولید معیشتی» در اقتصاد توسعه و مورد انتقاد قرار می‌گیرد متفاوت است و نوعی اشتراک لفظی است. در اقتصاد توسعه، الگوی تولید معیشتی، الگویی ماقبل مدرن، غیرکارآ و بهره‌ور دانسته می‌شود که فاقد خصوصیت صرفه به مقیاس است؛ این در حالی است که در این‌جا منظور از بحث آن است که تولید کارآ اثربخش در نهایت در خدمت شکل‌گیری معیشت متوازن در یک جامعه باشد.

(زکات، انفاق و...) تأکید دارد تا نقش پول در خلق نابرابری نظام‌مند از میان برود (صدر، ۲۰۰۸، ج ۳: ۴۰۰). در مرحله بعد از مبادله، اسلام با توصیه به قناعت و تعیین حدود کمی و کیفی مصرف (تحریم اسراف و تبذیر)، به شکل‌گیری توازن در سطح معیشت نگریده و بر تضاد تجمل‌گرایی و اشرافیت طلبی با عدالت اجتماعی تأکید کرده است (صدر، ۲۰۰۸، ج ۵: ۱۰۶). در اینجا نهی اسراف، ناظر بر رعایت حدود مقداری مصرف و نهی تبذیر، ناظر بر رعایت چیستی، هدف مصرف و بعد کیفی آن است.

### عدالت اجتماعی و حکمرانی سیاسی

رکن سوم در توجه به مسئله عدالت اجتماعی که به نوعی مجرای اقامه عدالت، در دو حوزه «مال» و «نسل» است، محور «امامت عدل»، ولایت و حکومت عادلانه است (طباطبایی، ۱۹۹۵، ج ۱۶: ۱۵۹-۱۶۱؛ خامنه‌ای، ۱۳۷۴/۰۹/۲۹؛ ۱۳۸۱/۰۷/۳۰). امامت عدل (بهشتی، ۱۹۸۲: ۲۴-۲۸) نه در قالب تصدی یک پست، بلکه در قالب نظام حکومتی عادلانه، مسئول قوام دهی به نسل و مال و تنظیم نسبت بین این دو است. این تنظیم‌گری از دو حیث، تابع حکومت است:

الف) علم حکومت به نظام عادلانه و نقش هدایتی نظام امامت. وظیفه اصلی حکومت، هدایت است و بخشی از این هدایت، از مسیر تنظیم تعاملات اقتصادی و اجتماعی صورت می‌گیرد.

ب) قدرت حکومت در توسعه عدالت و نیز حراست از نظام عادلانه در قبال دشمنانش. مسئله جهاد و مبارزه با طواغیت و مستکبران، اولویت اصلی حکومت اسلامی است. نفی استبداد داخلی و لزوم استقلال از خارج، اولین گام در جهت اقامه عدالت است. از این رو، جهاد با طواغیت که هم مانع حرکت جامعه اسلامی هستند، هم خود داخل در امت ایمانی نمی‌شوند و هم این که مانع ورود دیگران به این جامعه هستند، از اوجب واجبات است و بدون حکومت عدل، امکان تحقق اسلام و احکام عدل پرور آن نیست. مهم‌ترین چیزی که جهاد را در مسیر اقامه عدل، واجب می‌سازد، لزوم استقلال روحی از بیگانه و طاغوت است که اصلی‌ترین مسیر سلطه نرم‌افزاری و سخت‌افزاری بر یک ملت محسوب می‌شود (خمینی، ۱۹۸۹، ج ۲۱: ۴۰۶؛ خمینی، ۱۹۸۹، ج ۲۰: ۸۹؛ خمینی، ۱۹۸۹، ج ۲: ۳۴۷؛ خمینی، ۱۹۸۹، ج ۳: ۳۲۲).

هدف‌گیری حکومت عدل از حیث جغرافیایی، جهانی است و از حیث موضوعی، همه شئون جامعه را دربر می‌گیرد. این امر بدان علت است که عدالت اجتماعی، ارزش حاکم بر همه ارزش‌های اجتماعی است و به جهت اطلاق آن، هرگز از صدر ارزش‌ها، کنار نمی‌رود (خمینی، ۱۹۸۹، ج ۱۱: ۱۶۰). حکومت عدل، موظف به اقامه عدالت است. اقامه عدالت، هم اجرای امر عادلانه را مدنظر دارد و هم این که پذیرش و اجرای آن امر عادلانه، تبدیل به فرهنگ عمومی جامعه شود. پس پذیرش و همراهی مردم در اقامه عدالت، ضروری است. از این رو، حکمرانی سیاسی، مردمی است و بار اصلی آن بر عهده مردم است (خمینی، ۱۹۸۹، ج ۵: ۴۲۷؛ خمینی، ۱۹۸۹، ج ۷: ۵۲۸). حکومت بر مبنای سطح تبعیت و پذیرش جامعه، ساختارهای عادلانه را وضع کرده و از آن حراست می‌کند. سپس جامعه را به باطن این ساختار، ارشاد و هدایت کرده و

با رشد فرهنگ عمومی جامعه، زمینه استقرار ساختارهای مرتبه بالاتری را فراهم می‌آورد. بدین گونه است که اقامه عدالت، امری تدریجی و در نسبت امام و امت شکل می‌گیرد.

فلسفه دولت صالح، اقامه عدل و استیفای حق است. بنابراین اقامه عدالت اجتماعی در سطوحی صورت می‌پذیرد (طباطبایی، ۱۹۹۵، ج ۳: ۱۴۵)؛ که از وضعیت محدود در حد رساله‌های عملیه تا وضعیت حداکثری را شامل می‌شود و نیازمند مجاهدت مسئولانه، انگیزه‌های خالصانه مؤمنانه و تکلیف‌مداری آزادانه است (خامنه‌ای). بزرگ‌ترین مانع این عدالت خواهی، بینش مادی و گرایش به حیات دنیا و زینت‌های آن است که در قالب دنیاخواهی، انگیزه‌های الهی را نابود می‌کند. اقامه عدالت اجتماعی، در گرو ریشه‌کنی مناسبات استثمار و آزادسازی نیروهای انسانی است. لازمه این اقامه، نبود تفاوت واقعی و ملموس در سطح زندگی میان مسئولین حکومت اسلامی با عامه مردم است.

### نتیجه‌گیری

توجه و دخالت دادن به عنصر و آرمان عدالت در همه کنش‌ها، برنامه‌ریزی‌های ملی و محلی یک غایت مهم هر جامعه و حکومت از جمله نظام اسلامی است. اهمیت این مسئله با توجه به شواهدی همچون تأکیدات دینی، تصریحات رهبران انقلاب و مکتوبات مهمی چون قانون اساسی به عدالت اجتماعی دو چندان می‌شود. اما فقدان یک چارچوب نظری و کاربردی از عدالت اجتماعی و ابعاد آن در وهله اول و التزام و بکارگیری آن در نظام سیاست‌گذاری کشور در وهله دوم به شدت احساس می‌شود. به منظور خروج از این وضعیت، پژوهش حاضر تلاش کرد از دل انتخاب راهبرد متفکر محوری به منظور دستیابی به اصلاح اندیشه دینی پیرامون عدالت اجتماعی، ۶ متفکر محوری در اندیشه اسلامی و انقلابی را مبنای خوانش و بازخوانی خود قرار دهد. حسب این فراتحلیل انجام شده عدالت در معنای کلان خود به «استقامت بر و در صراط مستقیم» و در چارچوب اجتماعی‌اش به «قوام و توازن اجتماعی» تعریف و صورت‌بندی شد. در این نگاه، ریشه شکل‌گیری حیات اجتماعی در نیازهای انسانی است و محوری‌ترین این نیازها، تناسل و معاش تعریف شد که منجر به شکل‌گیری سایر اعتبارات بعدالاجتماعی می‌شود. از تناسل، خانواده شکل می‌گیرد و از معاش، استخدام پای به عرصه حیات می‌گذارد. خانواده، روابط سببی-نسبی را و استخدام متقابل انسان‌ها، روابط اخوت انسانی را در لایه قوام نسل شکل می‌دهند.

آنچه علت موجه اجتماع هست، علت مبقیه هم هست و برای بقاء اجتماع باید این دو دائماً تأمین شود. ایجاد و تحکیم پیوندهای اجتماعی برای نسل انسان (قوام نسل)، در کنار حفظ، رشد و گردش اموال برای تأمین معاش متوازن (قوام مال)، لازمه حیات اجتماعی هستند. هر یک از دو رکن، باید به قوام یافتگی تام خویش دست یابند. بنابراین سنخ رکن سوم یعنی «امامت عدل»، به طراحی و حراست از سازوکارهای مرتبط با تعاملات انسانی در این دو بُعد می‌پردازد. سیاست یا حکومت عادلانه که از آن به امامت عدل تعبیر می‌شود، امکان اقامه همه احکام و معارف الهی را در زمین انسان و اجتماع فراهم می‌سازد. ضرورت حکومت به تبع احکام اسلامی و ضرورت دوام حکومت به تبع دائمی بودن احکام است.

«قوم دولت»، «قوم نسل» و «قوم مال» و توازن بین آنها جامعه‌ای را خواهد ساخت که در آن در عین «استقرار ولایت سیاسی الهی»، «نسجام اجتماعی» و «معیشت متوازن» جاری است.

## References

- *The Holy Quran*
- *Nahj al-Balagha*
- Alikhani, Aliakbar (2009). *Introduction to political justice theory in Islam*. Tehran: Institute of Cultural and Social Studies. (In Persian)
- Beheshti, Mohamad Hosein (1982). *A review and analysis of jihad, justice, liberalism, imamat*. Tehran: Central Office of Islamic Republic of Iran Party. (In Persian)
- Beheshti, Mohamad Hosein (2008). *The outstanding legend of history, Shahid Beheshti: A collection of lectures and interviews*. Tehran: Council for Revival of Martyr Ayatollah Beheshti Works. (In Persian)
- Beheshti, Mohamad Hosein (2011). *Islamic Republic of Iran Party: Speeches, conversations, writings*. Tehran: Foundation for Publishing the Works and Thoughts of Martyr Ayatollah Beheshti. (In Persian)
- Eivazlou, Hosein (2015). *Islamic theory of social justice & economic justice*. Tehran: Center for the Islamic- Iranian model of progress. (In Persian)
- Eskandarlou, Mohamad javad (2019). *Quran & social justice theory*. Qom: Dar al-Mobaleghin. (In Persian)
- Gholami, Reza (2021). *Analysis of theory of justice in Islamic thought*. Tehran: Aftabe Tosee. (In Persian)
- Given, Lisa M. (2008). *The Sage encyclopedia of qualitative research methods*. London: Sage.
- Heidari, Abdollah (2015). *An introduction to the theory of justice in Islam*. Qom: Al-Mostafa International Center for Translation & Publication. (In Persian)
- Jamshidi, Mohamad Hosein (2002). *The theory of justice from the point of view of Abu Nasr Farabi, Imam Khomeini and Martyr Sadr*. Tehran: Research Institute of Imam Khomeini and the Islamic Revolution. (In Persian)
- Khamenei, Sayyed Ali. *Speeches*. Published in www. Khamenei.ir. (In Persian)
- Khandouzi, Sayyed Ehsan (2011). *Just Society: an introduction to the theory of economic justice in Holy Quran*. Tehran: Imam Sadiq University Press. (In Persian)
- Khomeini, Rouhollah (1989). *Sahifeh-ye Imam*. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (In Persian)
- Khomeini, Rouhollah (1994). *Interpretation of Sura Al-Fatiha*. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (In Persian)
- Khomeini, Rouhollah (1998). *Explanation of the hadith of soldiers of reason and ignorance*. Tehran: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works. (In Persian)

- Konow, James (2003). “Which Is the Fairest One of All? A Positive Analysis of Justice Theories”. *Journal of Economic Literature*, XLI (20): 1188-1239.
- Mottahari, Morteza (1997). *Collection of works*. Tehran: Sadra Publication. (In Persian)
- Mottahari, Morteza (2001). *Notes of Ostad Mottahari*. Tehran: Sadra Publication. (In Persian)
- Pourezat, Ali asghar (2001). “Public administration & social justice”. *Management Knowledge*. 14(55): 83-117. (In Persian)
- Pourezat, Ali asghar (2006). “Analysis of Logical Principles of Designing Public Policy Making System (Comparative Analysis among Truth-Oriented Justice and Many Political Philosophy Schools)”. *Managerial Research in Iran*. 10(4): 42-171. (In Persian).
- Pourezat, Ali asghar (2008 a). *Coordinates of righteous government in the light of Imam Ali's Nahj al-Balagha*. Tehran: Elmifarhangi Publication Company. (In Persian)
- Pourezat, Ali asghar (2008 b). *Fundamental of public administration & government knowledge*. Tehran: Samt. (In Persian)
- Sadr, Imam Musa (2007). *Islamic economic approaches*: Mahdi Farokhian. Tehran: Imam Alsadr center for research and studies. (In Persian)
- Sadr, Sayyed Mohamad Bagher (2008). *Mosoueh al-shahid Sadr*. Qom: Markaz al-Abhāth wa-al-Dirāsāt al-Takhaṣṣuṣīyah lil-Shahīd al-Ṣadr. (In Arabic)
- Sadr, Sayyed Mohamad Bagher (2014a). *Eqtesadona* (first volume): Sayyed Mahdi Borhani. Qom: Shahid Sadr Scientific Research Institute. (In Persian)
- Sadr, Sayyed Mohamad Bagher (2014b). *Eqtesadona* (second volume): Sayyed Mahdi Borhani. Qom: Shahid Sadr Scientific Research Institute. (In Persian)
- Sandel, M. (2007). *Justice: A Reader*. New York: Oxford University Press.
- Tabatabaei, Mohamad Hosein (1995). *Al-Mizan fi Tafir Al-Qur'an*. Qom: Islamic Publications Office. (In Arabic)
- Vaezi, Ahmad (2009). *Criticism of theories of justice*. Qom: Publication of Imam Khomeini Institute. (In Persian)
- Vaezi, Ahmad (2022). *Rethinking social justice; what, why, territory*. Qom: Bustane Ketab. (In Persian)
- Vaezi, Ahmad (2020). *John Rawls; from justice theory to political liberalism*. Tehran: Bustane Ketab. (In Persian)